

به ابتکار مرکز رسانه‌ای قفقاز سمیناری دوازده روزه تحت عنوان «قفقاز ۲۰۰۵» طی روزهای ۸ و ۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ در ایروان برگزار شد. در این سمینار کارشناسانی از کشورهای روسیه، گرجستان، ارمنستان و اسرائیل مقالات خود در رابطه با روندهای جاری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حوزه قفقاز در سال ۲۰۰۵ را ارائه نموده و در کنار آن به سئوالات شرکت‌کنندگان نیز پاسخ گفتند. ذیلاً خلاصه‌ای از مقالات و بحثهای ارائه شده در این سمینار ارائه می‌گردد:

- الکساندر کرایلف پژوهشگر مؤسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل مسکو مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه آذربایجان در جهان و روندهای توسعه‌ای آن» ارائه نمود. به عقیده وی آذربایجان در بین تمامی کشورهای CIS پایین‌ترین شاخصهای اقتصادی را دارا می‌باشد هر چند دولت آن کشور عقیده دیگری دارد. به نظر وی دلیل پایین بودن شاخصهای اقتصادی در این کشور افزایش هزینه‌های بودجه پس از صادرات شدید نفت از سوئی و وجود یک اقتصاد سایه‌ای در این کشور که ۲۰ تا ۲۵ درصد کل حجم اقتصاد را شامل می‌شود، می‌باشد.

البته این به نظر مقامات آذری یک شاخص عادی است. اپوزیسیون آذری ادعا می‌کند که اطلاعات مربوط به فراهم کردن بسیاری از فرصت‌های شغلی که دولت می‌گوید پاسخگوی نیازهای واقعی این کشور نیست. از سوئی و در رابطه با دموکراسی تمامی مشکلات موجود در کشور از طریق روشهای ویژه رژیم‌های توتالیتر حل و فصل شده‌اند.

جامعه این کشور هنوز هویت ملی خود را باز نیافته و به سمت دموکراسی حرکت نمی‌کند و از سویی انتخابات اخیر هم نشان داد که اپوزیسیون در شرایطی نیست که بتواند مردم را به خیابانها بکشانند.

وی در پاسخ به سئوالی در رابطه با ملاقات الهام علیف با بوش و احتمال پیوستن آذربایجان به آمریکا در اقدامات احتمالی علیه ایران گفت: دولت بوش در صدد عملی کردن اقدامات خود علیه ایران است و لذا آذربایجان را جهت پیوستن به سیاستهای خود تحت فشار قرار می‌دهد. البته مردم و دولت آذربایجان از پیوستن به سیاستهای آمریکا در قبال ایران خشنود نیستند و دموکراتیزه کردن کشورها از طریق اقدامات نظامی را نمی‌پسندند. موضوعی که در این رابطه شاید بخواهند مورد استفاده قرار دهند از طریق آذری (زبانهای) ایرانی باشد که آن نیز بسیار دشوار است بتوان آذری‌های ایران را علیه تهران به اقدامی وادار نمود. ۱۰ میلیون آذری ایرانی عمیقاً در زندگی سیاسی اجتماعی ایران ادغام شده‌اند و نمایندگانی در سطوح عالی حاکمیت دارند. اما پروسه‌های سیاسی در جهان نشان می‌دهند که کمکهای خارجی و نفوذ نظامی ممکن است موجب ایجاد مشکلاتی حتی در جاهایی شوند که قبلاً فاقد چنین مشکلاتی بوده‌اند. لاشا باگراذه استاد مدرسه اروپایی مدیریت در تفلیس مقاله خود را تحت عنوان «گرجستان در ۲۰۰۵: مسیری به سوی آینده» به تحولات پس از انقلاب گرجستان اشاره کرد و گفت در تصورات رمانتیک برخی افراد پیرامون پتانسیل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و البته ژئوپلتیک «اصلاحات صوتی» بسیار اغراق شده بود. علاوه بر آن غالب برنامه‌ها و وعده‌های قبل و بعد از انتخابات دولت ساهاکاشویلی بر روی کاغذ باقی مانده و در بهترین حالت به فراموشی سپرده شده‌اند. در نتیجه جامعه دلسرد شده و از اعتبار مقامات به میزان قابل ملاحظه‌ای کاسته شده و همچنان روبه کاهش است.

به عقیده وی جناح مخالف نیز مورد اعتماد جامعه نبوده و از سویی ضعیف و هنوز بخوبی شکل نگرفته است. امیدوارم بودیم سالومه زورابیشویلی (وزیر امور خارجه گرجستان) بتواند

رهبر جنبش مخالفین شود. اما متأسفانه جناح مخالف هنوز به صورت جدی شکل نگرفته که قادر باشد آلترناتیو واقعی برای دولت پس از انقلاب محسوب گردد.

مبارزه با ارتشاء به صورت جدی پیگیری نشده است، اصلاحات در ساختارهای پلیسی نیز نتیجه مورد انتظار را نداشت؛ ضمن اینکه بر میزان جنایات افزوده شده و شاخصهای شناسایی جرم نیز کاهش یافته است. اصلاحات در زمینه مالیاتها نیز پیشرفت چندانی نداشته است هرچند از زمان شواردناده بهتر شده است. بودجه دولتی سال ۲۰۰۵ دو برابر سال گذشته است اما به دلیل تورم روزافزون اکثریت قریب به اتفاق مردم رشد اقتصادی ۹/۳ درصدی ثبت شده در سال ۲۰۰۵ را احساس نکرده‌اند.

بنابراین ارزیابی وی اصلاحات عمیق اقتصادی و اجتماعی به ثبت نرسیده است لذا دولت تلاشهای خود را در تبلیغات متمرکز کرده و مرتب بروشورهای تبلیغاتی منتشر و اطلاعات اغراق آمیز به اطلاع شهروندان عادی می‌رساند که نه تنها اعتماد آنها را بر نمی‌انگیزد بلکه تأثیرات معکوس نیز بر جای گذاشتند و مردم را عصبی می‌سازد.

الکساندر اسکندریان مدیر مرکز رسانه‌ای قفقاز و مدیر برگزاری سمینار نیز مقاله خود را تحت عنوان «ارمنستان ۲۰۰۵، توسعه مارپیچی تکمیل متقابل» ارائه نمود. وی در ابتدا با ذکر این جمله که مشکل است در ارمنستان از ارمنستان صحبت کرد اظهار امیدواری نمود که وی بشدت مورد انتقاد قرار نگیرد.

وی با اشاره به روندهای جاری در داخل ارمنستان اوضاع سیاسی کشور را به ظاهر آرام و به دور از انقلابها و تنشهای محسوس برشمرد که این امری متفاوت است. به نظر وی اگر واقع بین باشیم باید گفت جناح مخالف دار فانی را وداع گفته است. البته به موازات آن حکومت هم ضعیف شده چرا که اگر جناح مخالف قوی وجود ندارد حکومت قوی هم وجود ندارد. وی البته شرایط کنونی را آستن تولد جناح مخالف جدیدی دانست که به عقیده وی نشانه‌های آن از هم اکنون قابل رویت است

اسکندریان ضمن اشاره به مسئله قره‌باغ گفت: سال ۲۰۰۵ تفاوتی با سال ۲۰۰۴ نداشت درست به همان گونه که با سال ۲۰۰۳ هم نداشت. مذاکرات ادامه دارند و رؤسای جمهور متناوباً با یکدیگر ملاقات می‌کنند. در پراگ توافق می‌کنند که ملاقات بعدی در پاریس ترتیب یابد و در پاریس تصمیم می‌گیرند ملاقات بعدی در رامبویه باشد، و در رامبویه توافق می‌شود روند مذاکرات در واشنگتن ادامه یابد و به همین منوال ادامه دارد. از این لحاظ سال ۲۰۰۶ نیز تفاوت چندانی با سال ۲۰۰۵ نخواهد داشت زیرا در نوار مناقشه ارمنی - آذری تعادل پایدار بین نیروها، همچنین منافع و تلاشها شکل گرفته است. در این رابطه هیچ‌یک از طرفین نه از آذربایجان و نه ارمنستان و نه قره‌باغ در برهم زدن این تعادل ذینفع نیستند و هیچ پیشرفتی هم در این خصوص حاصل نشده و همانطور که گفته شد «طرفین تنها با یکدیگر ملاقات می‌کنند برای اینکه ترتیب ملاقات بعدی را بدهند».

وی افزود سیاست خارجی تکمیل متقابلی که در سال ۹۸ اعلام شد تازه جان می‌گیرد و مهمتر اینکه در مرحله اول از جانب روسیه به ما تحمیل شده است و با بستن گذرگاه لارس علیا نشان داد که با ما طرف حساب نیست. ماجرای افزایش تعرفه‌های گاز نیز نهایتاً مشخص ساخت که روسیه دیگر فاتحه جامعه کشورهای همسود را خوانده و بر اهرمهای اقتصادی برای اعمال نفوذ تأکید می‌ورزد و بدین ترتیب حضوری هرچه محسوس‌تر در عرصه انرژی ارمنستان (و البته نه تنها ارمنستان) می‌باید. به گفته اسکندریان سیاست خارجی در سال ۲۰۰۵ چهارده ماه دوام داشت: با مشکل لارس علیا آغاز و با افزایش قیمت گاز پایان یافت.

دیوید پروسیان تحلیلگر خبرگزاری نویان تابان بحثی تحت عنوان «کشورهای به رسمیت شناخته نشده قفقاز: در گرداب چالشهای خارجی» ارائه نمود که طی آن به بررسی و مقایسه دو مناقشه آبخازیا و قره‌باغ پرداخت. وی با اشاره به اینکه چشم‌اندازی برای حل و فصل هر دو مناقشه در سال ۲۰۰۶ نمی‌بیند، منطقه قفقاز را محل درگیری و برخورد منافع روسیه و آمریکا توصیف کرد که در این میان آمریکا ترکیه را به عنوان همپیمان و روسیه نیز ایران را به

عنوان همکار برگزیده است. وی تلاشهای روسیه جهت حفظ نفوذ خود در ارمنستان و آذربایجان را با هدف محاصره گرجستان بیان کرد.

پطروسیان افزود آنچه تا کنون در سطح رسمی در رابطه با مذاکرات قره‌باغ انتشار یافته با گذشته تفاوتی نکرده است تنها تفاوت این است که ارمنستان می‌گوید همه چیز را می‌دهیم ولی هیچ چیزی را امضا نمی‌کنیم. قره‌باغ هم که از جریان مذاکرات کنار گذاشته شده است و تا زمانی در روند مذاکرات شرکت نداشته باشد می‌تواند هرگونه توافقی را وتو کند. پطروسیان تصریح کرد تشدید بحران روابط بین ایران و آمریکا که موجب تغییر سیاست آمریکا در منطقه شده است می‌تواند بر حل و فصل مناقشه قره‌باغ تأثیر بگذارد. آمریکا مایل است نوار مرزی که توسط ارمنستان کنترل می‌شود را در اختیار بگیرد. این چالشی اصلی خواهد بود که بر کل منطقه تأثیر خواهد گذاشت. تیگران سرکیسیان رئیس کل بانک مرکزی ارمنستان گزارشی تحت عنوان «روندهای اقتصادی کشورهای قفقاز جنوبی در سال ۲۰۰۵» ارائه نمود.

سرکیسیان ارمنستان را در بین کشورهای قفقاز جنوبی مطلوب‌ترین کشور در انطباق با معیارهای معاهده ماستریخت برشمرد و گفت بنا به گزارش سازمانهای بین‌المللی، ارمنستان به دلیل اتخاذ یک سیاست مؤثر پولی کمترین تورم را دارا می‌باشد و برعکس دو کشور آذربایجان و گرجستان، بانک مرکزی ارمنستان سیاست سخت‌گیرانه‌ای در دورانی که فشارهای سنگینی از سوی مراکز سیاسی و نهادهای اقتصادی جهت تثبیت نرخ ارز خارجی اعمال می‌شد، اتخاذ نمود.

به عقیده وی ارمنستان از نظر افزایش قیمت تنها کشوری است که با معیارهای لازم مطابقت می‌کند اما آذربایجان و گرجستان هنوز از این دو مورد دور می‌باشند. آذربایجان در تلاش است که مسئله افزایش قیمت را با متدهای اداری حل کند و گرجستان و آذربایجان حداقل سه سال احتیاج دارند تا بتوانند به معیارهایی که ارمنستان دارد برسند.

سه کشور قفقاز جنوبی از نظر بدهی‌های دولتی نسبت به تولید ناخالص داخلی در

وضعیت خوبی قرار گرفته‌اند البته گرجستان در وضعیت سخت و دشواری قرار داشت ولی موفق شد خود را از این وضعیت نجات دهد.

مسایلی چون رشد اقتصادی و بهبود زندگی برای کشورهایی که برای پیوستن به اتحادیه اروپا تمایل نشان می‌دهند بسیار مهم است و لذا بر اساس مطالعات انجام شده حقوق متوسط در ارمنستان ۱۴۵ دلار، گرجستان ۱۱۳ دلار و آذربایجان ۱۲۴ دلار می‌باشد. میزان فقر و تنگدستی در ارمنستان ۳۴ درصد، گرجستان ۵۲ درصد و آذربایجان ۲۹ درصد می‌باشد. هزینه سلامتی و بهداشت در ارمنستان ۱/۳، گرجستان ۰/۵ و آذربایجان ۱/۶ درصد تولیدات ناخالص داخلی است.

گرجستان نسبت به ارمنستان در زمینه دستیابی به منابع وام خارجی در وضعیت بهتری قرار دارد و ارمنستان نیز به نوبه خویش نسبت به آذربایجان در وضعیت مساعدتری قرار دارد. حقوق دفاع از مالکیت خصوصی در ارمنستان بیشتر از آذربایجان حمایت می‌شود و در آذربایجان نیز بهتر از گرجستان.

بر اساس آمارهای سازمانهای بین‌المللی برای سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۶ سطح زندگی در سه کشور قفقاز جنوبی برابر می‌باشد.

میزان رشد اقتصادی برای آذربایجان ۲۳/۶ درصد، گرجستان ۹/۹ درصد و ارمنستان ۱۴ درصد می‌باشد. بخش بزرگی از تولیدات ناخالص داخلی آذربایجان و رشد اقتصادی این کشور به دلیل استخراج نفت است (۴۲ درصد) اما رشد اقتصادی در گرجستان اساساً به فعالیتهای ساختمانی احداث خط لوله گاز و نفت همچنین خدمات نظامی ارتباط دارد. ولی رشد اقتصادی ارمنستان بیشتر به زمینه‌های کشاورزی و فعالیتهای ساختمانی بستگی دارد. هزینه نظامی آذربایجان تقریباً ۶۵۰ میلیون دلار یعنی تقریباً ۴ برابر بودجه نظامی ارمنستان است. نفت محصول اصلی صادرات آذربایجان، فلزات سیاه صادرات اساسی گرجستان و محصولات کشاورزی نیز صادرات اساسی ارمنستان محسوب می‌شوند. در گرجستان و

آذربایجان هنوز موضوع تکنولوژی برتر مشاهده نمی‌گردد و اما در ارمنستان به میزان کمی مشاهده می‌شود.

سرکسیان در پایان الگو قرار دادن حل مسئله آلمان و فرانسه پس از پایان جنگ جهانی دوم را برای حل درگیری‌های کنونی در منطقه قفقاز جنوبی بهترین روش دانست چرا که به نظری راه‌حلی سیاسی برای حل این درگیری‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد.

آناتولی تسیگانوک از مرکز پیش‌بینی‌های نظامی در مؤسسه تحلیلهای سیاسی و نظامی مسکو موضوع «روابط روسیه با کشورهای قفقاز: پویایی در سال ۲۰۰۵» را ارائه نمود.

وی بر اهمیت وجود پایگاه‌های نظامی روسیه در ارمنستان که هدف آن کنترل مرزهای ترکیه - ارمنستان است تأکید ورزید و گفت روسیه بایستی سیستم دفاع هوایی خود را در جنوب تقویت کند و «شلیک غیرموجه و احتمالی راکت‌های ایرانی» را نیز مورد نظر قرار دهد.

وی همچنین برنامه‌های هسته‌ای ایران را تهدیدی برای امنیت ملی روسیه توصیف کرد و در عین حال تأکید نمود آتش‌انهدامی راکت‌های ایرانی و پاکستانی به مناطق جنوبی فدراسیون روسیه و اورال نرسیده‌اند.

این ژنرال سابق ارتش روسیه افزود: مؤسسه تحلیلهای سیاسی و نظامی به وزارت امور خارجه روسیه توصیه نموده است از تحریم‌های اقتصادی ایران حمایت کنند و ما بایستی همبستگی خود را با جامعه بین‌المللی در مخالفت با گسترش و انتشار سلاح‌های هسته‌ای ابراز نماییم. وی افزود روسیه باید جهت‌گیری سیاست خارجی خود را نزدیک خود را تغییر دهد و گسترش روابط با اسرائیل را در اولویت قرار دهد.

تسیگانوک همچنین در پاسخ به سئوالی در خصوص سفر الهام علی‌اف به واشنگتن گفت: فکر می‌کنم این سفر با تحولات داغ پیرامون ایران مرتبط است نه با مسئله منابع انرژی. فکر می‌کنم گرجستان و آذربایجان به برنامه‌های آمریکا علیه ایران کمک دیپلماتیک نشان خواهند داد ولی رؤسای جمهور آذربایجان و گرجستان بخوبی درک می‌کنند که اعطای کمک نظامی به

مثابه خودکشی خواهد بود. احتمالاً هم به این دلیل آقای کوچاریان را به واشنگتن دعوت نمی‌کنند. زیرا پایگاه نظامی (روسی) که در ارمنستان مستقر است در وهله اول ضد ناتو و ضد ترکیه تلقی می‌شود و بین کشورهای قفقاز جنوبی، گرجستان در زمینه توسعه دموکراسی در مکان اول قرار دارد. اینکه اپوزیسیون گرجستان بیانات ضد حکومتی داشته و در میدان مرکزی گرجستان تظاهرات برپا می‌کنند، حکایت از آن دارد که ساهاکاشویلی طی دو سال توانسته است برای خود اپوزیسیون پرورش دهد.

روبین صفراستیان رئیس بخش مطالعات ترکیه در مؤسسه مطالعات شرقی ایروان بحثی تحت عنوان «گرایشهای جدید در سیاست ترکیه نسبت به قفقاز جنوبی» ارائه نمود. وی گفت: سال ۲۰۰۵ از لحاظ سیاست ترکیه در قفقاز جنوبی بسیار مهم بود. همچنین وضعیت پیرامون ایران هم سریع تغییر می‌یابد که طبیعتاً بر سیاست منطقه‌ای ترکیه تأثیر می‌گذارد. در رابطه با ترکیه چندین تز وجود دارد.

۱. سیاست خارجی ترکیه سیاست خارجی کشوری است که در گذشته یک ابرقدرت بود.

۲. در ترکیه مسایل سیاست خارجی و داخلی بسیار به یکدیگر مرتبط هستند.

۳. ترکیه سیاست خود در قفقاز جنوبی را بر اساس سیاست خود در اتحادیه اروپا مبتنی

می‌کند.

در مکتب ژئوپلیتیک ترکیه دو مفهوم مهم وجود دارد: ۱. مفهوم سلطه و برتری مرکزی

ترکیه: یعنی ترکیه واقع شده در آناتولی می‌تواند مناطق بالکان، قفقاز، خاور نزدیک و خاور شمالی را کنترل نماید؛ ۲. مفهوم دوم ابرقدرت مرکزی ترکیه است. به عبارتی ترکیه در منطقه‌ای جغرافیایی واقع شده است که به آن اجازه می‌دهد تبدیل به یک ابرقدرت منطقه‌ای شود و نه تنها بر مناطق نزدیک بلکه همچنین مناطق دور دست نیز تأثیر بگذارد.

پیرامون ارتباط سیاست خارجی با سیاست داخلی ترکیه، دولت (حزب اسلامگرای

عدالت و توسعه) و نیز نظامیان سیاست خارجی ترکیه را تبیین می‌کنند. با توجه به تشدید



وضعیت پیرامون ایران هم اکنون ستاد ارتش ترکیه بار دیگر نقش اصلی در اعمال سیاست خارجی را بر عهده گرفته است. نظامیان ترکیه خاطر نشان می‌کنند که سیاست ترکیه در یورآسیا بایستی با سیاست اروپایی به‌ویژه آلمانی رقابت کند.

سیاست ترکیه در ماورای قفقاز نیز یک بخش از سیاست اروپایی آن است و روابط با روسیه نیز به عنوان یک بخش از روابط با یورآسیا ارزیابی می‌شود. در دوران اخیر روابط روسیه - ترکیه در زمینه‌های مختلف نزدیکتر شده‌اند. البته این امر در ارمنستان موجب نگرانی می‌باشد. از سویی تقویت روابط ترکیه با گرجستان و همکاری نظامی بین این دو کشور نیز برای ارمنستان مهم است. در صورت پیشرفت در پیوستن گرجستان به ناتو روابط این کشور با ترکیه بیش از پیش توسعه خواهد یافت. روابط ترکیه با آذربایجان در سال ۲۰۰۵ به اوج خود رسیده است و بنظر بیش از این نمی‌تواند توسعه یابد چراکه در اینجا بازیگران دیگری هم وجود دارند از جمله آمریکا، روسیه و اخیراً ایران.

در روابط ترکیه - ارمنستان فقط می‌توان به آمادگی جهت برگزاری کنفرانسهای تاریخی اشاره نمود ترکیه سعی می‌کند اهمیت قتل عام را به یک بحث و جدل تاریخی بین مورخین تبدیل کند که البته همین پیشنهاد هم با واکنش منفی الیت ترکیه و از جمله نظامیان روبرو شد. ولی به هر حال از نظر ترکیه این یک پیشرفت است.

به نظر ترکیه این کشور پلی بین ماورای قفقاز و غرب است و با ورود ترکیه به اتحادیه اروپا این ایده می‌تواند به واقعیت بپیوندد. وضعیت جدید پیرامون ایران فرصت و امکانات جدیدی برای دیپلماسی ترکیه فراهم کرده است و ترکیه منتظر تأیید آمریکا برای تقویت مواضع نظامی خود می‌باشد و به‌ویژه می‌خواهد نیروهای واکنش سریع را در طول خط لوله باکو - جیهان مستقر نماید.

وی در رابطه با گرایشهای اسلام‌گرایی در ترکیه گفت: برای اولین بار دولت ترکیه شکل و تفکرات واقعی مردم ترکیه را منعکس می‌کند. این گرایش هم اکنون وجود دارد و حتی رئیس

جمهور ترکیه از اسلامیزه شدن کشور انتقاد کرده بود. ارتش هم اکنون حداقل وضعیت داخلی کشور را کنترل نمی‌کند و نظامیان نگران هستند که سیاستمداران با شعار دموکراسی کنترل آنها بر وضعیت کلی کشور را کم رنگ کنند.

الکساندر تسینگر مدیر موسسه مطالعات CIS و اروپای شرقی در تل‌آویو و عضو پارلمان (کنیست) مقاله‌ای تحت عنوان «قفقاز جنوبی و خاور نزدیک: مشکلات موجود و تمایلات همگرایی» ارائه نمود.

وی گفت: پیرامون وضعیت کنونی منطقه در نیمه دهه ۹۰ دو محور وجود داشت: روسیه - ایران - ارمنستان و بعد از فروپاشی شوروی ارمنستان تنها همکار استراتژیک روسیه باقی ماند. اما روابط ارمنستان با روسیه مشکل‌تر شد و این کشور با ایران روابط نزدیک برقرار نمود به این محور سوریه هم پیوست و از جمله یونان و قبرس.

دومین محور اسرائیل - آذربایجان، ترکیه و اردن بودند. روسیه از سیاست قبلی اتحاد شوروی در خاور نزدیک امتناع ورزید و سیاست بسیار متعادلی در پیش گرفت. روابط اسرائیل با آمریکا و ترکیه بسیار نزدیک شد؛ همچنین با گرجستان و آذربایجان. در این حال روابط دوجانبه اسرائیل - ارمنستان را کد ماند. اما پوتین و بوش سیاست قبلی را تغییر دادند. روسیه به عراق و ایران نزدیک شد بوش هم جنگ علیه عراق را شروع کرد. بعد از این ترکیه به روسیه و ایران نزدیک شد و محورهای جدید پدید آمدند: روسیه - ترکیه - ایران، سوریه و محور روسیه - چین - ازبکستان. در این میان آمریکا هم فقط با اسرائیل و ترکیه روابط نزدیک را حفظ کرد.

آشکار است که در منطقه از عملیات ضدایرانی هیچ‌کس حمایت نخواهد کرد. باکو هم اجازه نداده است آمریکا پایگاههای خود را در آن کشور مستقر نماید. البته هم‌اکنون ارمنستان در وضعیت مشکل‌تری قرار گرفته است. ایروان سعی کرده است روابط با اروپا و آمریکا همچنین روابط با اسرائیل را فعال‌تر نماید. رئیس‌جمهور ارمنستان نیز سفری غیررسمی به اسرائیل انجام

داد اما این توسعه روابط متوقف شده است که در اینجا چه لابی ایرانی و چه اقدامات اسرائیلی‌ها نسبت به آرامنه اسرائیل تأثیرگذار بوده‌اند. اکنون ارمنستان دوباره آشکارا علاقمندی خود به اسرائیل را نشان می‌دهد. سفرهایی به صورت غیررسمی و در چارچوبهای مذهبی و تجاری تدارک دیده شد و بزودی در ایروان کنسولگری اسرائیل مستقر خواهد شد.

کشورهای ما باید همکار و دوست باشند و آرامنه هم بایستی همچون یهودیان لابی خود را داشته باشند. وی در خصوص عدم به رسمیت شناختن قتل عام آرامنه از سوی اسرائیل گفت: این واقعیت از سوی روحانیون پذیرفته شده و فکر می‌کنم بزودی از سوی دولت هم پذیرفته شود.

آخرین سخنران این سمینار والتر کافمن مدیر منطقه قفقاز بنیاد هاینریش بول بود که مقاله‌ای تحت عنوان: «اتحادیه اروپا و کشورهای قفقاز جنوبی: چه مقدار از همسایگی جدید فاصله دارند» ارائه نمود.

وی گفت سال گذشته برای هر یک از کشورهای منطقه گزارشی تهیه شد که طی آن مشکلات این کشورها مطرح و در عین حال از برخی سیاستها نیز بطور ملایم انتقاد شده است. همزمان مذاکرات با سه کشور قفقاز جنوبی ادامه یافت و برای هر کشور بطور جداگانه یک طرح عملیاتی ارائه شده است که حاوی توصیه‌هایی می‌باشد.

فکر می‌کنیم این برنامه‌های عملیاتی واقعاً می‌توانند وضعیت را بهبود بخشند به نظر من در زمینه حل و فصل درگیری‌های منطقه نیز پیشرفتهایی ثبت شده است.

انتظار می‌رود نماینده جدید اتحادیه اروپا در منطقه آقای سمنبی در راستای اجرای برنامه همسایگی جدید بیشتر تأثیرگذار باشد. همچنین در باکو و ایروان نیز نمایندگی اتحادیه اروپا باز خواهد شد. کمکهای مالی به این کشورها افزایش خواهد یافت آشکار است قفقاز جنوبی برای اتحادیه اروپا اولویت‌دار می‌باشد. شاید یکی از انگیزه‌ها در این رابطه روسیه باشد. سال گذشته برای اولین بار سیاست خارجی اتحادیه اروپا احساس کرد در رابطه با انتخابات اوکراین به

سمت درگیری با روسیه پیش می‌رود و امسال هم بحران گاز تأثیر منفی بر EU گذاشت اوکراین در نظر دارد از وابستگی انرژی خود به روسیه بکاهد و در مسیر تنوع‌سازی منابع انرژی باشد. از این لحاظ دریای خزر نیز برای اتحادیه اروپا اهمیت می‌یابد. صدراعظم آلمان که کشورش از نیمه دوم ۲۰۰۷ ریاست EU را برعهده خواهد داشت گفته است یکی از اولویتهای سیاست خارجی EU منطقه قفقاز خواهد بود شاید به این دلیل که یکی از مهمترین انگیزه‌های آلمان بحث انرژی است و روسیه از تأمین‌کنندگان اصلی انرژی آلمان محسوب می‌شود.

پروژه تشکیل NGOها در منطقه یکی دیگر از اولویتهای EU است سال گذشته این کار در گرجستان شروع شده است و در آذربایجان هم اخیراً ائتلاف NGOها تشکیل شده است. در ارمنستان هم چندین برنامه در این راستا وجود دارد.

الکساندر اسکندریان در جمع‌بندی موضوعات مطرح شده در سمینار گفت: مسایلی که تسیگائوک مطرح کرد شاید از این منظر که ایشان یک کارشناس نظامی است قابل قبول باشد. اما روسیه از طرق سیاسی و نظامی می‌خواهد نفوذ خود را در منطقه اعمال نماید. وی گفت هم‌اکنون مهمترین موضوع برای قفقاز تشدید تنش بین ایران و آمریکا است و البته من فکر نمی‌کنم که موضوع ایران به یک درگیری نظامی منجر شود، البته این تنها یک تصور است. موضوع مهم دیگر نیز روابط روسیه و گرجستان است که تأثیرات بسیاری برای منطقه خواهد گذاشت.

آقای پطروسیان تحلیلگر نوین تاپان نیز در خصوص روابط ایران - آمریکا گفت: در این رابطه بایستی همه سناریوها را مدنظر داشته باشیم. از جمله اینکه ممکن است بین آمریکا و ایران نیز معامله‌ای صورت پذیرد، نمی‌دانم چه معامله‌ای، چه وقتی و پیرامون چه موضوعی فقط می‌خواهم بگویم که این مورد را نیز نمی‌توان بعید دانست.

روزبهانی